

عراق در مسیر آرامش



تهیه و تنظیم: علی موسوی خلخالی

دیپلماسی ایرانی

ارزیابی دولت محمد شیاع السوداني

۸ ماه زمامداری



دولت محمد شیاع السوداني در این حدودا ۸ ماهی که بر سر کار است، فراتر از انتظارات عمل کرده است. بسیاری در ابتدا دولت او را مستعجل تصور می کردند و انتظار داشتند دولتش خیلی زود به چالش های سیاسی گرفتار شود، اما الآن که نزدیک به ۸ ماه از آغاز به کار دولت او می گذرد، می توانیم بگوییم تا الآن عملکرد قابل قبولی داشته است.

مهمترین دستاورد دولت السوداني تصویب بودجه سه ساله بود که تا اندازه بسیاری در تثبیت موقعیت سیاسی او موثر است، چرا که الآن دولت می داند مطابق با کدام بندهای بودجه امور اقتصادی کشور را پیش ببرد و اجازه ندهد که چالشی برایش در این زمینه به وجود آید. چالش هایی که در گذشته دامنگیر دولت های قبل بود. ویژگی بودجه جدید این است که برای سه سال متوالی تصویب شده و این تا اندازه ای دست دولت را در اداره امور باز می گذارد.

مهمترین چالشی که انتظار می رفت السوداني با آن مواجه شود، مقتدی صدر بود که فعلا روزه سکوت اختیار کرده و تا به اکنون مزاحمتی برای دولت او به وجود نیاورده است. البته هنوز داغترین روزهای تابستان که عموما مردم عراق از خشم گرما و کمبود خدمات به خیابان ها می آیند و احزاب از این خشم به عنوان ابزاری برای بهره برداری سیاسی استفاده می کنند، فرا نرسیده اما در این زمینه هم تلاش های

دولت برای کاهش رنج کمبود برق مشهود است و چه بسا بتواند تا اندازه ای مردم عراق را راضی کند. همچنین اگر دولت اقتدار لازم را از خود نشان دهد و ضعف مهمی بروز ندهد، می تواند انتظار داشته باشد که از این تابستان داغ نیز عبور کند.

از سوی دیگر با مشارکت و تعامل مثبتی که سودانی در دولت خود با احزاب مختلف و همچنین رقیب داشته و حتی نیروهای جریان صدر را در رده های میانی دولت به کار گرفته، سبب شده است تا بتواند رضایت کلی جریان های سیاسی را تا الآن جلب کند. برای همین حداقل در بیت شیعی و در میان احزاب سیاسی آنها، اعتراضی جدی به دولت سودانی مشاهده نمی شود.

در عین حال سودانی اقداماتی عوام پسندانه انجام می دهد که ضمن جلب توجه رسانه ها و افکار عمومی، مردم ساده کوچه و بازار را نیز تا اندازه ای راضی نگه داشته است. حضور سرزده در فرودگاه بغداد و گلایه علنی از عملکرد رئیس فرودگاه که به عزل او انجامید یا استخدام کارمندان جدید در دولت یا حضور گاه و بیگاهش در میان مردم به مناسبت های مختلف و همچنین حضورش در کنفرانس های متعدد سیاسی و اقتصادی تا به اینجای کار از او چهره ای مقبول ایجاد کرده است.

البته کارهای عمرانی دولت را نیز نباید فراموش کرد، از جمله بازسازی خیابان های بغداد، بازسازی اماکن تفریحی و عمومی، افتتاح پروژه های مهم نظیر پالایشگاه کربلا، بهبود وضعیت خدماتی در شهرهای مختلف از جمله نجف اشرف و کربلا و بغداد، میزبانی پر سر و صدا از بازی های جام ملت های خلیج فارس در بصره یا آغاز ساخت پروژه عظیم "راه توسعه" که جنوب عراق را از بصره با بزرگراه و راه آهن به شمال، مرزهای ترکیه، وصل می کند، همگی در ایجاد تصویری ایجابی از دولت موثر بوده است.

در سطح منطقه ای و بین المللی نیز سودانی کارنامه قابل دفاعی داشته است. از حضور در اروپا گرفته تا میانجی گری در پرونده ایران و عربستان و اکنون ایران و مصر و همچنین حضور موثر در پایتخت های عربی و نشست های بین المللی از جمله در قاهره، امان و نشست اتحادیه عرب در جده، نمره قابل قبولی را به کارنامه دیپلماسی او داده است.

با این حال سودانی نگرانی های جدی دارد و نسبت به آینده نگران است. بیش از همه از جانب امریکایی ها که سابقه رفتارهای آنها را با دولت عادل عبدالمهدی دیده است. برای همه در عراق روشن است که دولت او، مورد حمایت الحشد الشعبی است و حتی دولت او را دولت جریان های تشکیل دهنده الحشد الشعبی می دانند. و این را هم همه می دانند که الحشد الشعبی مورد حمایت قاطع جمهوری اسلامی ایران است، در نتیجه می توان نتیجه گرفت که دولت سودانی مآلاً مورد حمایت ایران است. با این وجود سودانی موفق شده است به نوعی در تعاملش با ایران و امریکا توازن برقرار کند. اگرچه از سوی هر دو کشور به دلایل مختلف تحت فشار است - از ایران بابت دریافت پول هایش در حساب های بانک های عراق بابت صادرات برق و گاز به این کشور و از امریکا بابت تمایل بیشتر به آن و عمل به تحریم ها و هم صدا شدن با آن برای همراهی بیشتر در جبهه مقابل ایران و برخورد سخت تر با الحشد الشعبی و جریان های سیاسی همسو با ایران - اما با این حال توانسته است تا به این لحظه تعادل را در رابطه با دو کشور حفظ کند.

در این میان سودانی تلاش دارد زمینه های سفر خود به ایالات متحده را نیز فراهم کند. او دوران سخت عادل عبدالمهدی و مخالفت های مکرر امریکا با سفر او به واشنگتن به دلیل همراهی با ایران در برابر فشارهای امریکا را به خاطر دارد و تمایل ندارد به سرنوشت دولت او دچار شود. در افواه عمومی عراق این برداشت وجود دارد که دلیل سقوط دولت عادل عبدالمهدی با وجود موفقیت های مهمی که داشت از جمله در زمینه دیپلماسی و اقتصاد، به دلیل فشار امریکایی ها و ناخرسندی آنها از همراهی اش با ایران بود. برای همین سودانی گمان می کند سفر به امریکا و مثبت بودن نتایج این سفر در تثبیت دولت او می تواند بسیار موثر باشد. بیش از این گفته می شد که سودانی بعد از تعطیلات عید فطر به واشنگتن خواهد رفت، به ویژه که قبل از او فواد حسین، معاون او و وزیر امور خارجه اش به امریکا رفته بود و حدود ۱۰ روز در آنجا بود، اما چنین نشد و اکنون با نزدیک شدن به عید قربان نیز انتظار نمی رود واشنگتن برنامه سفری برای سودانی در نظر گرفته باشد.

از سوی دیگر سودانی انتخابات استانداری ها را پیش رو دارد که می تواند آزمون جدی برای او و احزاب سیاسی عراق باشد.

اگر او بتواند از گردنه های سیاسی به خوبی عبور کند و همین سیر صعودی فعلی را حفظ کند می توان انتظار داشت دولت او تا انتخابات پیش رو در قدرت بماند و مشکلی جدی برایش به وجود نیاید.

از فشارهای بیرونی تا رقبای داخلی چالش‌ها و مشکلات پیش روی السوداني



دولت محمد شیاع السوداني، نخست وزیر عراق، تا به الآن توانسته است خوب عمل کند. تفاهمی که میان احزاب سیاسی وجود دارد و همچنین حمایت گروه‌های سیاسی شیعی از وی در قالب چارچوب هماهنگی که تا کنون به نظر می‌رسد در حمایت موثر از او هماهنگ بوده اند، سبب شده است تا او بتواند تا به اینجای کار با قدرت از چالش‌ها عبور کند و امیدی برای بهبودی شرایط و وضعیت کشور نزد عراقی‌ها ایجاد کند. امیدی که بعد از انتخابات مجلس در اکتبر سال ۲۰۲۱ تا تشکیل دولت السوداني که نزدیک به یک سال به طول انجامید، رنگ باخته بود و جامعه عراق را به شدت ملتهب کرده بود. با این حال محمد السوداني بیش از هر کسی می‌داند که چه چالش‌هایی پیش روی اوست. چالش‌هایی که می‌تواند دولت او را به سخره بگیرند و مشکلات جدی برایش ایجاد کنند.

اصلاح کابینه

یکی از این چالش‌ها، اصلاح کابینه است که السوداني تلاش دارد برای انسجام بیشتر تغییراتی در آن ایجاد کند. پیش از این گفته می‌شد که او قصد دارد دست کم ۱۰ وزیر را تغییر دهد. اما اعتراض جریان‌های اصلی در چارچوب هماهنگی از جمله نوری المالکی که در حال حاضر ائتلاف او بیشترین تعداد کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارد، سبب شد تا فعلاً خبری از اصلاح کابینه او نباشد. با این حال

السودانی معتقد است که دولتش نیاز به اصلاحاتی دارد تا کارآمدتر شود. او بعد از حدود ۸ ماه از آغاز به کار دولتش ارزیابی جدی از دولت خود دارد و احساس می کند که ترمیم کابینه می تواند به پویایی و کارآمدی دولت کمک کند. به طور مشخص روشن نیست او به دنبال تغییر کدام یک از وزراست، اما منابع غیررسمی و اخبار منتشر شده در رسانه های عراقی نشان می دهد تغییر وزرای نفت، اقتصاد، حمل و نقل و ارتباطات از جمله تغییرات مد نظر اوست .

پیش از این و در حالی که چند ماه بیشتر از آغاز به کار دولت السودانی نگذشته بود و در حالی که قیمت ارز در بازار آزاد سیر صعودی به خود گرفته بود، او رئیس بانک مرکزی را تغییر داد و فردی که گفته می شود نزدیک به نوری المالکی است و در دوران نخست وزیری وی جزء مهره های اصلی اقتصادی او بوده، ریاست بانک مرکزی را بر عهده گرفت. حالا نیز برخی منابع خبری می گویند او در راستای هماهنگی بیشتر کابینه در زمینه اقتصادی، قصد دارد نیروی نزدیک به تفکرات رئیس بانک مرکزی را وزیر دارایی کند و حتی احتمال می رود در این راستا وزرای صنایع، بازرگانی و سازمان برنامه و بودجه نیز تغییر کنند .

تغییر کابینه در عراق کار چندان آسانی نیست، از آنجا که وزرا عموماً به نحوی به جریان یا حزبی وابسته هستند، نخست وزیر در تغییر آنها دست چندان بازی ندارد و نمی تواند بدون مشورت و رضایت آن جریان ها آزادانه اقدامی را انجام دهد. در حال حاضر معاون نخست وزیر، فواد حسین، وزیر امور خارجه است که از نیروهای مورد اعتماد مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکراتیک کردستان است که بی شک در تنظیم وضعیت کابینه نقش موثری دارد .

هر چه باشد، دولت السودانی مثل هر دولت دیگری در عراق بعد از سقوط رژیم بعث، با تفاهم گروه های اصلی قدرت در کشور بر سر کار آمده است که کردها، شیعیان و اهل تسنن را شامل می شود. برای همین تغییر کابینه باید با مشورت و رضایت آنها باشد، چرا که اگر نخست وزیر نخواهد به خواسته های آنها توجه کند، آنها می توانند با نمایندگانش در پارلمان برای دولت مزاحمت ایجاد کنند.

دولت گذشته

یکی از رقبای جدی السودانی که هنوز سودای نخست وزیری دارد و کنار رفتنش از صدر دولت را هنوز هضم نکرده، دولت مصطفی الکاظمی است. الان برای همه روشن است که الکاظمی با هم پیمانی برهم صالح، رئیس جمهوری سابق، مقتدی صدر، رهبر جریان صدر و محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان درصدد بود مجدداً نخست وزیر شود و گمان نمی کرد در آخر معادلات به گونه ای رقم بخورد که او و برهم صالح کنار گذاشته شوند. الکاظمی عموماً به گونه ای رفتار می کرد که گویی دولتش دست کم چهار سال دوام خواهد آورد. در بحبوحه بحران های سیاسی داخلی عراق او نقش منطقه ای خود را دنبال می کرد و بر این باور بود که همچنان نخست وزیر خواهد ماند. بعد از آشوبی که طرفداران صدر در منطقه الخضرا ایجاد کردند و به دستگاه قضایی و پارلمان یورش بردند و گمان می کردند با آشوب می توانند اراده خود را تحمیل کنند، معادلات تغییر کرد، در حالی که الکاظمی متهم شد که با جریان صدر ممانعت کرده و فضا را برای آشوب سازی آنها مهیا ساخته است. در پی آن نارضایتی ها به قدری فزونی گرفت که دیگر راه چاره ای جز صرف نظر کردن از او برای سمت نخست وزیر باقی نماند. در آخر هم چنین شد و او مجبور شد دولت را به السودانی واگذار کند.

حالا میان الکاظمی و السودانی رقابتی نهفته است. رقابتی که برهم صالح، رئیس جمهوری سابق نیز از آن دور نیست و حتی می توان گفت تا اندازه بسیاری در آن دخیل است. این اختلاف زمانی برجسته شد که الکاظمی به تهران سفر کرد در حالی که السودانی می گفت سفرش بدون هماهنگی با بغداد بوده است. نخست وزیر سابق عراق می گفت هدفش از سفر به تهران میانجیگری میان ایران و عربستان است در حالی که السودانی تاکید داشت کار میانجیگری را او دنبال می کند و الکاظمی نقشی در آن ندارد. حتی برخی کارشناسان عراقی تغییر میانجیگری از عراق به چین برای آشتی میان ایران و عربستان را از این اختلافات درونی عراقی ها ناشی می دانند که دو طرف اصلی منازعه را بر آن داشت برای حل اختلافات خود کشوری دیگر با پتانسیل بیشتر و باثبات تر را انتخاب کنند.

اکنون الکاظمی گلایه دارد که السودانی با توصیه های برخی گروه های الحشد الشعبی که به زعم الکاظمی با او دشمنی دارند، همراه شده است تا او را از عراق دور کنند. موضوع تحت پیگرد قرار گرفتن او و برخی از اعضای دولتش بر سر آنچه دزدی قرن نامیده شده و در دولت او اتفاق افتاد، سبب شده است تا الکاظمی فعلاً ترجیح دهد به عراق نیاید و از دور نظاره گر صحنه سیاسی عراق باشد.

با این حال بسیاری از کارشناسان عراقی معتقدند که مثلث برهم صالح - مصطفی الکاظمی - مقتدی صدر همچنان فعال است و برای بازگشت به قدرت، حتی اگر لازم باشد تا انتخابات آینده صبر کند، نقشه کشیده است و برنامه دارد .

در این میان بازی دادن به نیروهای مقتدی صدر در رده های میانی دولت و همچنین آثار منفی بدرفتاری سال گذشته او و طرفدارانش بر افکار عمومی، در پی حمله به پارلمان و دستگاه قضایی که از او چهره ای آشوبگر ساخت که می خواهد بعد از استعفای نمایندگانش در

پارلمان آب رفته را به زور به جوی بازگرداند، سبب شده تا صدر فعلا علیه دولت اقدامی را آغاز نکند و حتی صحبت از کناره گیری جریانش از انتخابات پیش روی استناداری ها زده است.

امریکا و متحدانش

بر کسی پوشیده نیست که آنچه اکنون زمام امور را در عراق در دست گرفته است برآمده از معادله امریکایی نیست. به عبارت دیگر امریکایی ها در تسلط بر عرصه سیاسی عراق بعد از انتخابات سال ۲۰۲۱ شکست خوردند. البته نباید فقط امریکایی ها را در نظر داشت بلکه این شکست شامل حال انگلیسی ها نیز می شود، انگلیسی ها در صحنه سیاسی عراق، هر جایی که امریکایی ها نتوانند ورود کنند به جایانشان وارد می شوند و کاری که آنها نمی توانند انجام دهند را انجام می دهند. و البته نباید فرانسوی ها و اماراتی ها و حتی ترک ها را نیز در این معادله نادیده گرفت که با امریکا و انگلیس در پیشبرد معادله مدنظرشان هم دست بودند. تشکیل دولت سودانی در حقیقت شکست پروژه امریکایی - انگلیسی و متحدان آنها بود. این موضوع را بیش از هر کسی خود سودانی درک می کند. سودانی از قدرت تخریب و بازیگردانی امریکایی ها و متحدانشان در عراق به خوبی آگاه است. او دولت عادل عبدالمهدی را به خوبی به یاد دارد و همانند بسیاری از عراقی ها معتقد است که آنچه دولت عبدالمهدی را زمین زد تشکل ها و ان جی او هایی بودند که زیر نظر امریکایی ها در عراق فعالیت می کردند، تشکل هایی که به هر نحوی هنوز در عراق فعال هستند. برای همین سودانی نمی خواهد آنها را تحریک به دشمنی علیه خود کند. بسیاری بر این باورند که افزایش نرخ ارز در عراق که به طور پی سابقه ای افزایش یافت و همچنین فشاری که مستقیما امریکایی ها بر بانک مرکزی وارد کردند تا جلوی تعاملات امریکا با ایران به عنوان کشوری که تحت تحریم یکجانبه امریکاست، گرفته شود دقیقا با این هدف انجام شده که یا دولت سودانی به زانو در آید و تسلیم اراده امریکایی ها شود یا از ایران فاصله بگیرد و رابطه بین المللی خود را با امریکا تعریف کند یا حداقل به خواسته امریکا توجه کند و در رابطه با ایران موازنه برقرار کند.

در ابتدای آغاز به کار دولت سودانی امریکایی ها و متحدان اروپایی شان فکر می کردند که دولت او مستعجل خواهد بود، برای همین فشارهایی را در لایه های زیرین اجتماعی و سیاسی عراق بر دولت وارد کردند تا شاید دولت را به تسلیم وادارند؛ اما چنین نشد، اکنون آنها به این باور رسیده اند که دولت سودانی از قوام لازم برای ماندن در قدرت برخوردار است، بنابراین بهتر است واقعیت را بپذیرند و با آن کنار بیایند و ضمن همکاری با آن صرفا حفظ توازن را مطالبه کنند. در این راستا همچنین به دنبال یافتن ابزارهای لازم برای رابطه با جریان های سیاسی حامی دولت در الحشد الشعبی نیز هستند.

دیدارهای مرتب و البته پی سابقه سفیر امریکا در عراق با نخست وزیر و وزرای دولت در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ البته رابطه ای دو جانبه را نیز در خود نهفته دارد. از یک طرف سفیر امریکا با این دیدارهای منظم، متناوب و متکثر قصد دارد بر دولت تاثیر بگذارد و از سوی دیگر دولت نیز می خواهد این دیدارها انجام شود تا بالعکس، خود نیز بر او تاثیر بگذارد و رفتارهای ایذایی اش را مهار کند.

در حال حاضر دولت عراق در حال برنامه ریزی برای سفر نخست وزیر به امریکا است. این سفر برای سودانی مهم است و گمان می کند در صورتی که انجام شود و نتیجه بخش باشد شاید بتواند تا اندازه ای از فشار امریکایی ها بر خود بکاهد. فراموش نکنیم بعد از آنکه امریکایی ها حاضر به میزبانی از عبدالمهدی در واشنگتن نشدند تظاهرات اکتبر آغاز شد و به سقوط دولت او انجامید.

قیمت نفت

اگرچه دولت توانسته است بودجه سه سال آینده را با زحمت و اعتراض های گروه های سیاسی به خصوص کردها به تصویب برساند، اما سقوط ناگهانی قیمت نفت می تواند برای دولت چالش های جدی ایجاد کند. دولت قیمت نفت را در بودجه ۷۰ دلار تعیین کرده و کسری بودجه را برای سه سال آتی ۴۸,۷ میلیارد دلار برآورده کرده است. اگر قیمت نفت به زیر ۷۰ دلار برسد می تواند نه تنها کسری بودجه را افزایش دهد بلکه، دولت را در تنگنای تامین نیازهای روزانه اش بگذارد. این مساله می تواند ضمن ایجاد نارضایتی اجتماعی فرصتی را برای جریان های سیاسی رقیب ایجاد کند تا از آن برای بهره برداری علیه دولت استفاده کنند.

سودانی به توانایی خود برای مدیریت فضای فعلی سیاسی کشور امید دارد و گمان می کند می تواند با مدیریت آن از بحران ها عبور کند. استقبال که کشورهای عربی از او کرده اند و تعامل بالایی که دولت های عربی با او دارند، نشان می دهد که این توانایی به رسمیت شناخته شده است. عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن و مصر همگی از دولت جدید عراق در قامت دولت مستقر و باثبات استقبال کرده اند که این می تواند انگیزه جدی نزد سودانی ایجاد کند تا برنامه هایش را به قدرت پیش ببرد و از بحران ها و چالش های سیاسی به سلامت عبور کند.

ائتلاف استراتژیک عراق - اردن - مصر تلاش عربی برای کاستن از حساسیت های ایران



محمد شیاع السودانی، نخست وزیر عراق روز ۲۲ خرداد به مصر رفت. این دومین سفر السودانی به مصر از زمان آغاز به کار دولتش بود. در این سفر ۱۱ تفاهم نامه به امضا رسید و دو طرف در نهایت بیانیه مشترکی صادر کردند. همزمان با این سفر دولت عراق اعلام کرد در بودجه سه ساله به تصویب رسیده پارلمان، ۱۵۰ میلیارد دینار عراقی برای اجرای پروژه های مشترک با مصر تعریف شده است.

در کنار اردن، مصر دومین شریک سیاسی - اقتصادی عراق در میان کشورهای عربی به شمار می رود. این سه کشور از دیرباز اتحادی منطقه ای تشکیل داده اند که هر سه برای تقویت آن کوشش می کنند.

عقبه این ائتلاف سه جانبه به دهه هفتاد میلادی باز می گردد، دورانی که اندیشه های ملی گرایانه در بایتخت های عربی به شدت رایج بود و کشورهای عربی سودای تشکیل کشوری واحد را سر می دادند. در دهه هشتاد میلادی و در بحبوحه جنگ عراق و ایران، این ائتلاف به شدت تقویت شد، به گونه ای که اردن در کنار مصر سلاح های خود را در اختیار ارتش عراق قرار می داد و کارگرهای مصری نیز در عراق مشغول به کار بودند. بنا به گزارش ها، حدود یک میلیون کارگر مصری در دهه هشتاد در عراق کار می کردند. بانکداران اردنی نیز در این دوره امتیازات ویژه ای در عراق کسب کرده بودند. همچنین عراق در مناطق مرزی خود با اردن منطقه آزاد تجاری تشکیل داده بود و تعرفه کالاهای اردنی و مصری در عراق صفر بود.

ائتلاف سه جانبه عراق - مصر - اردن همواره برای هر سه کشور مهم بوده است. هر سه کشور دارای ثقل سیاسی و اقتصادی مهم در جهان عرب هستند و هر سه از موقعیتی برخوردارند که می توانند برای یکدیگر اهمیت ویژه ای داشته باشند. عراق دومین تولید کننده نفت جهان عرب است، مصر بیشترین میزان نیروی کار را در جهان عرب دارد و از پتانسیل های خوب اقتصادی و صنعتی برخوردار است و اردن نیز از ثقل سیاسی در خور توجهی در جهان عرب برخوردار است.

در دهه نود به واسطه تحریم های شدیدی که سازمان ملل علیه عراق اعمال کرده بود و همچنین تلاشی که جامعه جهانی برای انزوای عراق صرف می کرد، سبب شد تا ائتلاف این سه کشور به شدت تضعیف شود. بعد از سقوط صدام حسین و اعتراض کشورهای عربی

به وضع جدید عراق، روابط مصر و اردن نیز مثل دیگر کشورهای عربی با عراق جدید تیره شد. در این دوره اردن سقوط دولت صدام حسین را به مثابه به قدرت رسیدن جریان های شیعه نزدیک به ایران می دانست و این نفوذ را به مثابه آنچه گسترش هلال شیعی نامیده بود، تعبیر می کرد. در سال ۲۰۰۴ عوامل ابومصعب الزرقاوی در هتلی در امان، پایتخت اردن، انفجار مهیب تروریستی ای انجام دادند که طی آن بیش از ۶۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. بعد از آن دولت اردن تصمیم گرفت سیاست خصمانه خود را علیه حکومت جدید عراق کنار بگذارد و از در دوستی و همکاری، به ویژه همکاری امنیتی، با دولت جدید عراق برآید. اگرچه همچنان به عناصر حزب بعث در کشور خود آزادی عمل می داد.

در دوره حسنی مبارک و پس از آن در دوره اخوان المسلمین نیز تمایل چندانی برای گسترش روابط میان عراق و مصر وجود نداشت. تا این که در سال ۲۰۱۴ و با آمدن عبدالفتاح السیسی به ریاست جمهوری مصر، سیاست قاهره در قبال جامعه عربی تغییر کرد. دولت جدید مصر که مبارزه با افراطگرایی و اندیشه های اخوانی را در دستور کار خود قرار داده بود گسترش روابط با اردن و عراق را در دستور کار خود قرار داد.

در سال ۲۰۱۸ طی سفری که عادل عبدالمهدی، نخست وزیر وقت عراق به مصر داشت ائتلاف سه گانه مصر - اردن - عراق مجدداً فعال شد. پس از آن سران هر سه کشور تصمیم گرفتند به طور منظم نشست های دوره ای خود را از سر بگیرند و برای تقویت روابط تلاش کنند. همچنین در حل اختلافات پایتخت های خود با کشورهای دیگر نیز میانجی شوند که از جمله میانجیگری عراق میان ایران با اردن و مصر در همین راستاست.

در دوره مصطفی الکاظمی، روابط سه کشور تا سطح ائتلاف استراتژیک ارتقا یافت. عراق اردن و مصر را عمق استراتژیک عربی خود تعریف کرد، متقابلاً اردن و مصر نیز رابطه با عراق را برای خود استراتژیک و حائز اهمیت دانستند. برای همین هر سه کشور این ائتلاف خود را «شام جدید» نامیدند. در این دوره عراق تلاش کرد لبنان را نیز به این جمع بیفزاید. هدف از این کار تعریف عمق استراتژیک اقتصادی در لبنان ورشکسته بود که به شدت به سوخت نیاز داشت. در دوره الکاظمی عراق دست کم سه محموله سوخت رایگان در اختیار لبنان قرار داد. اما از آنجا که لبنان از نبود دولت رنج می برد و بحران های سیاسی و اقتصادی آن در سایه نبود یک سیاست روشن پیچیده تر و روز به روز بغرنج تر می شود، اضافه شدن آن به این جمع به کندی پیش می رود به گونه ای که می توانیم بگوییم در حال حاضر کاملاً متوقف شده است.

با تغییر دولت در عراق، سیاست حفظ روابط نزدیک و استراتژیک با اردن و مصر همچنان حفظ شده است. این روابط روز به روز عمیق تر می شوند و جالب آن که کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی و اردن نیز از این ائتلاف سه گانه بسیار حمایت می کنند.

البته این اتحاد چندان باب میل ایران نیست. تهران از آن بیم دارد که این روابط نزدیک باعث تقویت اندیشه های پان عربیستی شود و این مساله در طولانی مدت به منافع ایران ضربه بزند. تهران نزدیک شدن بغداد به پایتخت های عربی به قیمت دور شدنش از خود را بر نمی تابد. عراق از این نگرانی ایران آگاه است و برای همین تلاش دارد تا پل ارتباطی ایران با اردن و مصر باشد. به این امید که عادی سازی و ارتقای روابط ایران با کشورهای عربی از حساسیت های هر دو طرف بکاهد و در سایه آن اندیشه های قومیتی نیز کم رنگ شوند.

عراق، مصر و اردن همچنین تلاش دارند رنگ و بوی اقتصادی را در ائتلاف سه گانه خود پررنگ کنند تا ضمن کسب منافع اقتصادی برای خود، کشورهای دیگر نظر ایران را نیز در آن سهمیم کنند با این هدف که از میزان حساسیت ها بیش از پیش کاسته شود. احداث خط لوله سوخت از بندر بصره به العقبه اردن و از آنجا به مصر در راستای همین اهداف اقتصادی تعریف شده است. همچنین سه کشور تصمیم دارند شبکه برق و راه آهن خود را نیز به یکدیگر متصل کنند. عراق پیشنهاد داده است که شبکه برق و راه آهن ایران نیز به این شبکه متصل شود تا یک شبکه اقتصادی گسترده منطقه ای به وجود آید.

کریدوری که جنوب کشور را به ترکیه وصل می کند آرزوهای بزرگ عراق با بندر فاو



بندر بزرگ فاو یکی از بزرگترین پروژه های عمرانی بزرگ عراق است که عراقی ها روی آن سرمایه گذاری کلانی کرده اند. بندری که می تواند تحول بزرگ اقتصادی در عراق ایجاد کند و رقیبی جدی برای بنادر جبل علی در امارات متحده عربی، مبارک در کویت و دوحه در قطر باشد. چون این بندر در منتهای غربی ساحلی خلیج فارس واقع شده و از یک موقعیت جئوپلتیکی ممتاز برخوردار است، اهمیت بسیاری دارد. این بندر می تواند دسترسی شرکت ها و کشورهای صادرکننده کالا به بازار اروپا را آسانتر کند و رقیبی جدی برای کانال سوئز باشد. به این ترتیب که کالا به این بندر برسد و از راه زمینی به ترکیه و از آنجا به اروپا فرستاده شود. همچنین از غرب عراق بازارهای شرق دریای مدیترانه را نیز پوشش دهد.

این پروژه عظیم در سال ۲۰۱۰ آغاز شد، اما طی سال های اخیر و با افزایش درآمدهای نفتی عراق، تمرکز بر آن افزایش یافت و در سال ۲۰۲۲ دولت عراق برای تکمیل آن ۴۰۰ میلیون دلار در نظر گرفت. زمانی که کار ساخت این بندر آغاز شد، «نوری المالکی»، نخست وزیر اسبق عراق آن را یکی از برجسته ترین نشانه های مرحله جدید عراق برشمرد.

هزینه ساخت این پروژه حدود ۴/۶ میلیارد دلار تخمین زده می شود. در ابتدا قرار بود این پروژه ظرف چهار تا پنج سال به اتمام برسد، اما تاکنون به طول انجامیده است. موج شکنی که برای این پروژه ساخت شده و در حال تکمیل است، در کتاب رکوردهای گینس ثبت شده است.

سلمان مهیوب، کارشناس حمل و نقل بین‌المللی در این باره به وبگاه الحره گفت: «بندر فاو می‌تواند به راحتی عراق را به مقصدی برای تجارت و حمل و نقل جهانی تبدیل کند، زیرا مسافت نسبتاً کوتاهی که عراق را به بنادر دریای سرخ و مدیترانه متصل می‌کند به عنوان یک کانال خشک عظیم می‌تواند بخش بزرگی از تجارت جهانی را منتقل کند.» به گفته سلمان مهیوب، طراحی اصلی بندر فاو شامل ساخت یک شهر و تاسیسات گردشگری و دریاچه هاست که ۱۴ هزار شغل برای مردم عراق ایجاد می‌کند و می‌تواند سالانه ۳-۱ میلیارد دلار به خزانه عراق اضافه کند.

از نخستین روزی که عراق ساخت بندر بزرگ فاو را اعلام کرد، مخالفان جدی بسیاری در برابر آن ایستادند، از جمله کویتی‌ها که معتقدند تکمیل این پروژه نه تنها بندر مبارک را ناکارآمد می‌کند بلکه به لحاظ ژئواکونومیک خفگی کویت را موجب می‌شود. برای همین برای جلوگیری از تکمیل آن تلاش‌های بسیاری کردند.

همچنین وبسایت الجزیره گزارش داد که بر اساس طراحی شرکتی ایتالیایی، ظرفیت بندر در حال ساخت فاو سالانه ۹۹ میلیون تن برآورد می‌شود که یکی از بزرگترین بنادر خلیج فارس و دهمین بندر جهان خواهد بود.

دولت عراق انتظار دارد که بتواند بندر فاو را نهایتاً تا پایان سال ۲۰۲۴ به بهره‌برداری برساند.

اتصال بندر فاو به ترکیه

طی سال‌های اخیر، پروژه اتصال بندر فاو به ترکیه نیز تعریف شده است. طبق این طرح، بندر فاو در جنوب عراق به مرزهای شمالی متصل خواهد شد تا از آنجا به بندر جیهان در ترکیه متصل شود. بر اساس این طرح اتوبان و خط ریلی احداث خواهد شد. در حال حاضر از بصره به موصل اتوبانی چهار بانده وجود دارد که از دهه هشتاد میلادی احداث شده است. قرار است از بندر فاو به بصره نیز اتوبان احداث شود که فاز اول آن به طول ۵۲ کیلومتر احداث شده و به یکی از جاده‌های اصلی وصل شده است.

در همین راستا عراق در ابتدای ماه ژوئن از پروژه «جاده توسعه» رونمایی کرد که طی کنفرانسی با حضور مقامات کشورهای همسایه عراق در بغداد از آن رونمایی شد. این پروژه که هزینه آن توسط دولت عراق حدود ۱۷ میلیارد دلار تخمین زده شده و ۱۲۰۰ کیلومتر در داخل عراق طور خواهد داشت، هنوز در مراحل اولیه است.

بغداد آرزو دارد این پروژه را با همکاری کشورهای منطقه از جمله قطر، امارات، کویت، عمان، اردن، ترکیه، ایران و عربستان سعودی اجرا کند که نمایندگان آن از وزارتخانه‌های حمل و نقل برای شرکت در کنفرانسی که به اعلام این پروژه اختصاص داشت به بغداد دعوت شدند.

بر اساس بیانیه کمیته حمل و نقل و اقتصاد پارلمان عراق که توسط خبرگزاری عراق گزارش شده است، این پروژه "یک سرمایه‌گذاری برای کشورهای شرکت‌کننده خواهد بود و هر کشوری می‌تواند بخشی از پروژه را تکمیل کند." در این بیانیه با اشاره به اینکه امیدواریم این پروژه ظرف ۳ تا ۵ سال تکمیل شود، آمده است که: "مکانیسم سرمایه‌گذاری پس از برگزاری کنفرانس با کشورهای شرکت‌کننده مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت."

این پروژه به عراق اجازه می‌دهد از موقعیت جغرافیایی خود استفاده کند و آن را به گذرگاه کالا و تجارت بین خلیج فارس و اروپا تبدیل کند. در این پروژه ۱۵ ایستگاه قطار برای کالا و مسافر در طول خط، از بصره در جنوب با عبور از بغداد و رسیدن به مرز با ترکیه تعریف شده است.

عبدالرزاق محیبس، وزیر حمل و نقل عراق، تأیید کرد که دولت قصد دارد فاز اول پروژه بندر الفاو را در پایان سال ۲۰۲۵ به بهره‌برداری برساند. وی گفت: «میزان دستاوردهای بندر فاو در فاز اول بیش از ۵۰ درصد بوده است.»

در کنفرانس ماه ژوئن «پروژه توسعه» محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق نیز شرکت کرد و گفت: «راه توسعه پروژه بسیار مهمی است و هدف آن تغییر واقعیت در مسیر استقرار اقتصاد قوی با ایجاد اشتغال، اهرم مالی، افزایش ارزش تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص ملی مسیر توسعه است. این پروژه پایه و اساس اقتصاد غیرنفتی پایدار، گره اتصال در خدمت همسایگان عراق و منطقه است.»

نخست‌وزیر عراق با اشاره به اینکه پیشرفت بزرگی برای تکمیل بندر بزرگ فاو در چارچوب پروژه انجام شده است، در ادامه افزود: «این بندر دروازه فعالیت اقتصادی خواهد بود و منطقه‌ای که در اطراف آن ساخته می‌شود با شهرهای مدرن که از هوشمندترین شهرهای صنعتی جهان است، ادغام خواهد شد.»

وی با تاکید بر اینکه راه توسعه، شاه‌رگ اقتصاد و فرصتی نویدبخش برای تلاقح تاریخ، فرهنگ و منافع مشترک است، گفت: «بزرگراه‌ها و خط آهن‌های ساخته شده زیرمجموعه این پروژه، حمل و نقل محصولات و اشتغال را تسهیل می‌کند. تحقق آنها گامی مثبت در جهت ارتقای حقوق منطقه است.»

ایران و فاو

عراق انتظار دارد با تکمیل پروژه راه آهن بصره - شلمچه به طول حدود ۳۰ کیلومتر ایران را به کریدور جنوب - شمال خود و بندر فاو وصل کند. برای همین عراقی‌ها کریدور شرق - غرب ایران را مکمل پروژه فاو - جیهان می‌دانند. کار برای ساخت این خط آهن آغاز شده و انتظار می‌رود ظرف حداکثر دو سال آینده به بهره‌برداری برسد اگرچه منابع آگاه به دیپلماسی ایرانی گفتند کار ساخت این خط آهن کند اما در حال انجام است.

عده‌ای در ایران بندر فاو را رقیب بندر خرمشهر و یا بنادر دیگر ایران می‌دانند، برای همین چندان تمایلی به تکمیل آن ندارند اما واقعیت این است که بندر فاو می‌تواند برای ایران نیز دستاوردهای مهمی داشته باشد و صادرات کالا به داخل ایران و یا صادرات کالا از ایران را تسهیل کند. مثلاً اگر خط آهن چابهار به زاهدان تکمیل شود می‌تواند خط آهن شرق به غرب ایران را نیز تکمیل کند که این پروژه می‌تواند به خط آهن شلمچه - بصره متصل شود. برای همین یک شبکه راه آهن ریلی گسترده به وجود می‌آید که شرق و آسیای دور را از راه ایران به عراق و از آنجا به اروپا متصل می‌کند. این طرح می‌تواند مکمل پروژه کریدور جنوب - شمال ایران باشد که بندر چابهار و بندر عباس را به آستارا در شمال غرب ایران و عشق‌آباد در شمال شرق ایران متصل کند.

در عین حال ایران انتظار دارد عراق کریدور جاده‌ای و خط آهن بصره به مرزهای سوریه را نیز بپذیرد تا به این ترتیب خط آهن ایران به بنادر دریای مدیترانه در سوریه و لبنان نیز متصل شود. این کریدور می‌تواند برای عربستان و کویت نیز جذاب باشد چرا که ارتباط آنها را با سواحل شرقی دریای مدیترانه تسهیل می‌کند.

البته عراق اتصال راه شوسه و ریلی از بصره به اردن را نیز برای خود تعریف کرده که مورد استقبال عربستان و کویت قرار گرفته است چرا که احداث این کریدور می‌تواند عربستان، کویت، عراق و اردن را به یکدیگر متصل کند.

از ناخرسندی کردها تا آرزوهای پرطول و دراز بغداد تلخ و شیرین بودجه عراق



پارلمان عراق بودجه این کشور را که هفته گذشته به تصویب رسید، روز جمعه به رئیس جمهوری فرستاد تا او دستور اجرای آن را به دولت ابلاغ کند.

تصویب بودجه عراق دستاوردی مهم برای دولت محمد شیاع السوداني، نخست وزیر عراق است. او که بیش از همه بر تثبیت و استقرار وضعیت سیاسی کشور، و همچنین ثبات دولتش اصرار دارد، با حمایت جدی از تدوین بودجه و تصویب آن در مجلس، تلاش کرد تا یکی از مهمترین چالش های مهم دولت های گذشته عراق را که نقشی موثر در بی ثبات شدن دولت ها داشته است، رفع کند تا یکی از دغدغه های اصلی اش حل شده باشد.

بودجه عراق برای نخستین بار در این کشور برای سه سال بسته شد و با بحث و جدل های بسیار و بعد از جلسات فشرده و پرتنش احزاب و جریان های سیاسی، و همچنین بررسی های فشرده و سنگین نیروها و مقامات ارشد وزارت خانه های اقتصادی، برنامه و بودجه، صنایع و بازرگانی عراق در ساعت ۴:۳۰ بامداد دوشنبه هفته گذشته (۱۲ ژوئن) به تصویب پارلمان رسید. بودجه ای ۱۵۲ میلیارد دلاری که در تاریخ عراق بی سابقه بوده است و انتظار می رود جهش های اقتصادی مهمی را برای عراق به ارمغان آورد.

در بودجه سال ۲۰۲۳ عراق، درآمد حدود ۱۰۳,۳ میلیارد دلار پیش بینی شده که بر اساس قیمت پیش بینی شده ۷۰ دلار برای هر بشکه نفت است. فروش نفت، منبع اصلی درآمد عراق است که صادرات آن ۳,۵ میلیون بشکه در روز برآورد می شود که شامل ۴۰۰ هزار بشکه از مناطق کردنشین شمال این کشور است. کسری بودجه در عراق در حدود ۴۸ میلیارد دلار برآورد شده است.

چالش دولت با امریکا

امریکا یکی از چالش های اصلی تصویب بودجه عراق بود؛ چرا که پول حاصل از فروش نفت همچنان به حسابی در امریکا واریز می شود و دولت عراق برای دریافت آن مجبور است مجوزهای لازم را از دولت امریکا دریافت کند. به موجب توافق نفت در برابر غذا در سال

۱۹۹۱ درآمدهای دولتی عراق در حساب بانکی زیر نظر ایالات متحده در نیویورک واریز می شود و واشنگتن حق خود می داند که روی دخل و خرج های دولت عراق نظارت کند. اگرچه به ظاهر این سازمان ملل است که باید نظارت داشته باشد اما عملاً این امریکا است که این کار را انجام می دهد. این موضوع از آن زمان تا کنون ادامه دارد. تلاش دولت های عراق برای رفع این چالش به دلیل سلطه امریکا بر اقتصاد جهانی از جمله عراق، تا کنون میسر نشده است. برای همین در طول ماه های گذشته، دولت عراق جلسات منظم و در سطوح مختلف در بغداد و واشنگتن با مقامات امریکایی داشت تا بتواند آنها را برای ایجاد تسهیلات در تصویب بودجه خود ترغیب کند. از جمله مشکلاتی که در این میان وجود داشت لزوم نظارت مستقیم دولت عراق و به تبع آن امریکا بر پول هایی بود که بانک مرکزی عراق در اختیار بانک ها قرار می دهد که امریکایی ها تلاش کردند از آن به عنوان ابزاری برای فشار بر دولت استفاده کنند و به این ترتیب آن را وادارند تا به تحریم هایی که علیه شرکت ها و دولت های خارجی به طور یکجانبه اعمال کرده اند، عمل کند و جلوی هر گونه دور زدن تحریم ها را توسط بانک های عراق بگیرد.

مساله دیگر، طرفداری ایالات متحده از کردها در برابر دولت مرکزی بود که اگرچه در ظاهر ایالات متحده خود را بی طرف نشان می داد، اما جلسات متعدد کردها با مقامات امریکایی به ویژه سفیر امریکا در بغداد و نتایجی که بعد از این جلسات نمایان می شد، به گونه ای بود که دولت بغداد احساس می کرد واقعا امریکا پشت پرده از کردها برای فشار بر دولت مرکزی حمایت می کند تا چیزی فراتر از آنچه دولت مرکزی انتظار دارد نصیب کردها شود. هدف از این کار قدرت دادن به کردها برای ایستادگی در برابر بغداد بود تا دولت عراق قدرت اعمال نفوذ بر سراسر کشور را نداشته باشد. از این رو جریان های سیاسی حامی دولت عراق، از جمله الحشد الشعبی، از بابت رفتارهای امریکایی ها به ویژه سفیر امریکا شکایت داشتند و در برخی مواقع به قدری خشمگین می شدند که جز رساندن اعتراض خود به رسانه ها راه دیگری را پیش روی خود نمی دیدند.

ناخرسندی کردها از بودجه تصویب شده

تا آخرین لحظه که رایزنی های فشرده برای تصویب بودجه در جریان بود، کردها تلاش می کردند اراده خود را بر دولت برای تحقق خواسته های خود از بودجه تحمیل کنند. یکی از مسائل مورد مناقشه اختصاص ۱۷ درصد از سهم بودجه به کردها بود که دولت تا آخر زیر بار آن نفت و باوجود خشم شدید کردها، در نهایت ۱۲,۶ درصد از درآمد نفتی به اقلیم کردستان اختصاص یافت. سهمی که حتی از دولت های قبل هم کمتر است و موضع دولت عراق را در برابر اقلیم کردستان تقویت می کند.

همچنین بر خلاف سال های گذشته، اقلیم کردستان با این که می تواند نفت خود را همچنان به بازار عرضه کند، اما باید درآمد حاصل از فروش آن را در یک حساب بانکی که مقام های دولت مرکزی این کشور بر آن نظارت می کنند، واریز خواهد کرد. بغداد سپس این مبلغ را از بودجه ماهانه خود برای دولت اقلیم کردستان کسر می کند و مازاد پول را در اختیار دولت اقلیم کردستان عراق قرار می دهد.

آنچه خشم کردها را دوچندان کرد، خودداری دولت عراق از پرداخت پول هایی بود که بعد از بروز اختلافات اربیل به بغداد، دولت عراق پرداخت آنها را به اقلیم کردستان قطع کرد. مقامات اقلیم تلاش بسیاری کردند تا آنچه حقوق معوقه کارکنان اقلیم می دانند را جدای از بودجه از دولت دریافت کنند، اما دولت زیر بار آن نفت و مطالبات اقلیم را ضمن بودجه پذیرفت.

در آخر هم بعد از تصویب بودجه، مسعود بارزانی، رهبر حزب دموکرات کردستان و نجیروان بارزانی نخست وزیر اقلیم کردستان با صدور بیانه هایی ضمن ابراز صریح گلایه های خود از آنچه عدم تحقق خواسته شان از بودجه بود، پذیرفتند با آنچه تصویب شده کنار بیایند و ابراز امیدواری کردند که اجرای آن حداقل عادلانه باشد.

آروزهای دولت عراق با تصویب بودجه

دولت عراق انتظار دارد با این بودجه بتواند بسیاری از پروژه های عمرانی خود را اجرا کند. از جمله کریدور جنوب - شمال موسوم به "راه توسعه" که از بصره آغاز می شود و به خاک ترکیه می رسد و علاوه بر راه شوسه خط ریلی راه آهن را نیز شامل می شود.

همچنین انتظار دارد در سریعترین زمان ممکن اتصال راه آهن بصره - شلمچه به نتیجه برسد و مورد بهره برداری قرار بگیرد.

تکمیل بندر بزرگ فاو، که عراقی ها آن را رقیب بالقوه بندر مبارک در کویت می دانند از دیگر انتظارات دولت عراق است.

همچنین حل مشکل برق، کاهش نرخ بیکاری، بهبود رشد اقتصادی و فعال شدن بخش خصوصی در عراق از دیگر انتظارات دولت عراق از بودجه تصویب شده است.

دولت عراق بیش از ۱۲۰۰ پروژه اقتصادی تعریف کرده که امیدوار است به کمک این بودجه و همچنین کمک بخش خصوصی و شرکت های خارجی در اجرای آنها موفق شود و گامی مهم در توسعه اقتصادی کشور بردارد .

دولت عراق همچنین انتظار دارد اقتصاد عراق را به اقتصاد کشورهای اردن، مصر و لبنان پیوند دهد تا با ظرفیت های کلانی اقتصادی موجود بتواند از پتانسیل اقتصادی آن کشورها بهره برد و به اقتصاد مسلط بر آنها تبدیل شود. به ویژه انتظار دارد اقتصاد اردن و لبنان را بیش از پیش به خود وابسته کند. به همین منظور در بودجه تصویب شده، ۱۵۰ میلیارد دینار عراقی برای اجرای پروژه های مشترک با مصر تعریف شده است.

مشکلات بودجه عراق

در کنار انتظارات و آرزوهای دولت عراق، اما مشکلات بودجه نیز بسیار است. مهمترین مشکل احتمال کاهش قیمت نفت به زیر بشکه ای ۷۰ دلار است که می تواند کسری بودجه آن را تشدید کند. محمد صالح، مشاور السوداني در امور مالی، در این باره گفت: «بودجه جدید باعث نگرانی است، زیرا به شدت بر درآمدهای نفتی متکی است. اگر قیمت نفت کاهش یابد، کسری بودجه افزایش می یابد و دولت را مجبور می کند که پول قرض کند.» مشابه این چالش در سال ۲۰۱۵ و در زمان دولت حیدر العبادی اتفاق افتاد. در آن زمان دولت از یک سو درگیر جنگ با داعش بود و مجبور بود بخش بزرگی از هزینه جاری خود را برای مبارزه با داعش صرف کند و از سوی دیگر قیمت نفت ناگهان کاهش یافت و دولت را تحت فشار گذاشت تا جایی که حقوق کارمندان خود را با تاخیر می پرداخت.

بودجه سه ساله عراق با کسری حدود ۴۸,۳ میلیارد دلاری تصویب شده است. اما دولت عراق انتظار دارد با بهره برداری از پروژه های عظیم پتروشیمی به ویژه در استان های کربلا و بصره، همچنین پروژه های استخراج گاز و از همه مهمتر افزایش تولید و صادرات نفت که انتظار می رود تا سال ۲۰۲۵ به حدود شش میلیون بشکه نفت برسد، در کنار جذب سرمایه گذاری خارجی به ویژه از سوی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، همچنین با بهره برداری از پروژه های زودبازده، این کسری بودجه را به حداقل برساند.

مشکل دیگر، درصد بالای حقوق بگیر کارمندان دولتی است. از جمعیت حدود ۳۹ میلیون نفری عراق در حدود ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر از دولت حقوق دریافت می کنند. در سایه حضور بسیار ضعیف بخش خصوصی در عراق و تمایل شدید شهروندان به استخدام دولتی و اجبار دولت ها، به دلایل مختلف، به استخدام نیروهای جدید، دولت های عراق هر سال فربه تر شده اند و این مساله سبب شده است تا بودجه کشور توسط کارمندان دولت بلعیده شود.

با این حال دولت عراق انتظار دارد همین بودجه پرحاشیه که در مقایسه با سال های گذشته می توان ادعا کرد بودجه بی سابقه ای است، دستاوردهای بزرگی به ارمغان آورد البته اگر به درستی اجرا شود و از میزان خطاهای آن در مرحله اجرا تا حد امکان کاسته شود.

دشمنان از این وضعیت سوء استفاده می کنند

ضعف فرهنگی در تعاملات ایران و عراق



به رغم اشتراکات بسیار فرهنگی و رفت و آمدهای فراوانی که به ویژه طی دو دهه اخیر میان ایران و عراق به وجود آمده، همکاری های فرهنگی ایران و عراق بسیار پایین و ضعیف است. سینمای ایران در عراق شناخته شده نیست و کمتر کسی درباره هنر ایرانی اطلاعاتی دارد. عموماً آنچه از هنر اعم از شنیداری و دیداری، در عراق مطرح است هنر عربی یا غربی است و کمتر چیزی درباره هنر ایرانی شنیده می شود. آثار فرهنگی، ادبی و تاریخ ایرانی به عربی ترجمه نشده و بسیاری از شهروندان اهل مطالعه و فرهنگی، سراغی از ادبیات و تاریخ ایران نمی گیرند. ارتباطات مردم نیز عموماً به ایام زیارتی و دینی محدود می شود و در طول مدت اربعین انصافاً عراقی ها میزبان بی نظیری برای زوار حسینی هستند.

اما کیست که نداند فرهنگ ایرانی غنی است و حتی از خیلی از فرهنگ های منطقه کهن تر و غنی تر است؟ کیست که نداند علوم انسانی در ایران نسبت به اکثر کشورهای منطقه و غرب آسیا پیشرفته تر، عمیق تر و غنی تر است؟ اهل فکری که ایران به جامعه جهانی عرضه داشته است قابل مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر منطقه نیست. اما با این وجود و در حالی که دو کشور طولانی ترین مرز زمینی را نسبت به دیگر همسایگان شان با هم دارند، ارتباطات فرهنگی آنها به اندازه مرزهای طولانی شان گسترده و شگرف نیست.

به جرات می توان گفت بیشترین ارتباطات فرهنگی میان طلاب حوزه های دینی قم و نجف اشرف است که به هر مناسبت و هر ترتیبی پنجره گفت و گو و تبادل اندیشه و نظر را برای یکدیگر باز می کنند. آنها دائماً با هم در تماس هستند و نجف اشرف و کربلای معلی و قم و مشهد را خانه دوم خود می دانند. اما جدای از این دو، سطح روابط فرهنگی دو کشور در سطح مطلوبی نیست. و این واقعیتی است که باید برای رفع کمبودهای آن بیش از پیش تلاش کرد.

عقبه فاصله فرهنگی دو کشور

از زمان استقلال عراق تا ابتدای هزاره سوم ارتباطات فرهنگی ایران و عراق به اماکن زیارتی محدود بود.

البته روشن است که نبود زبان مشترک یکی از دلایل افتراق دو کشور به حساب می آید، تفوق زبان عربی بر زبان فارسی در عراق که زبان اصلی و رسمی همه عراقی هاست و پشتوانه ای که این زبان در فراتر از مرزهای عراق دارد، همچنین تغذیه ای که همواره از خواستگاه های فرهنگ و ادب عربی در مصر و لبنان و سوریه و عربستان می شده، همواره به گونه ای بوده که عرصه برای ظهور زبان فارسی و فرهنگ ایرانی مهیا نبوده است.

افزون بر زبان اما باید به اندیشه های ملی گرایانه موجود در این دو کشور طی این سال ها نیز توجه کرد. از ابتدای دهه پنجاه تا پایان دهه هشتاد میلادی نفرت قومی میان مردم دو کشور به شدت تقویت می شد؛ تا آنجا که در دهه هشتاد و در زمان زمامداری حزب بعث ایرانی بودن یا ایران دوست بودن یا سفر به شهرهای ایرانی یا حتی از این فراتر، شیعه بودن مصادف بود با جاسوس ایران بودن و شدیدترین برخوردها در انتظار چنین افرادی بود.

در زمان حاکمیت حزب بعث اندیشه های نفرت پراکنی از ایران بسیار قوی بود. صدام حسین خود شخصا ضد ایرانی بود و نفرت عجیبی از ایران داشت. برای همین حزب تحت امر او همه تلاش خود را کرد تا نفرت در ضمیر عراقی ها نهادینه شود. تا آنجا که حتی مسئولیت بدی وضع آب و هوا را هم متوجه ایرانی ها می کردند. حزب بعث تلقین می کرد در مجاورت ایران بودن باعث ترویج اندیشه های ضد اسلامی (به واسطه اعتقادات شیعی متضاد یا مغایر با بسیاری از اعتقادات اهل تسنن) می شود و عراق را از جامعه عربی (که خواستگاه خود را در آنجا می دانست و برای آن تبلیغ می کرد) دور و جدا می کند! در این رابطه حزب بعث به شدت تبلیغات دروغ انجام می داد و این تبلیغات را در قالب اعتقاد برتر و ایدئولوژی بر مردم عراق تحمیل و در ذهنشان تلقین می کرد، تا آنجا که شهروندان را وادار می کرد اصل و نسب خود را اگر به ایران برسد منکر شوند، از آن ابراز انزجار کنند و آن را به فراموشی بسپارند و عرب بودن خود را دائما تقویت کنند.

بعد از سقوط حزب بعث

بعد از سقوط حزب بعث و رفت و آمدهای شهروندان دو کشور به شهرهای یکدیگر سبب شد تا نگاه عراقی ها نسبت به ایران بسیار تغییر یابد. پیشرفت و توسعه شهرهای ایرانی در مقایسه با شهرهای عراقی و توسعه فرهنگی و اقتصادی در مقایسه با وضعیت آن موقع عراق، به ویژه دوره خونین تروریسم، سبب شد تا نگاه شهروندان عراقی نسبت به ایران به شدت تغییر کند. تا آنجا که وقتی الحشد الشعبی با فتوای آیت الله سیستانی تشکیل شد و شهید سلیمانی در عراق برای مبارزه با تروریسم به عراقی ها کمک می کرد، جایگاه ایران و شخص شهید سلیمانی در عراق بسیار ارتقا یافت تا آنجا که عراقی ها از جان و دل شهید سلیمانی را دوست می داشتند.

البته چنین نگاهی نزد جوامع اهل تسنن نبود. همچنان نگاه اکثریت اهل تسنن عراق به کشورهای عربی معطوف بود و آرزوهای خود را در میان آنان جست و جو می کردند، به عبارتی آن کینه و نفرت دوران حزب بعث همچنان در ضمیرشان وجود داشت. آنها سقوط حزب بعث و به قدرت رسیدن شیعیان را حاصل تلاش های ایران قلمداد می کردند و برای همین احساسات ضد ایرانی نزد آنها بسیار تقویت شد. اینها کسانی بودند که گمان می کردند صدام حسین به آنها در عراق شخصیت داده و آنها را بالاتر از هر طایفه ای در عراق قرار داده و شهروند درجه یک از آنها در برابر دیگر اقوام و طوایف ساخته است. برای همین شیعیان را شهروندان درجه دو می دیدند که به کمک ایرانی ها بالا آمده اند و به قدرت رسیده اند. از این رو نسبت به ایرانی ها در دل کینه داشتند. از آنجا که در دوره صدام حسین این طیف توانسته بودند از امکانات و جایگاه ویژه ای برخوردار باشند، به واسطه آن توانایی تاثیرگذاری بر لایه های زیرین جامعه عراق را تا اندازه ای همچنان داشتند.

با اعلام شکست داعش توسط ایران، فعالیت های ضد ایرانی در عراق آغاز شد. این بار ان جی او های غربی به ویژه امریکایی فضایی ضد شیعی به وجود آوردند تا هیمنه شیعیان شکسته شود و به دنبال آن نفوذ ایران در عراق تضعیف شود. از این رو اقدام به نفرت پراکنی در میان شهروندان عادی عراقی کردند و ضمن بزرگ نمایی در کمبودها و نقصان های خدماتی و اجتماعی عراق تلاش کردند تا انگشت اتهام را به سمت سیاستمداران شیعه عراقی و حامی اصلی آنها یعنی ایران متوجه کنند. در این میان عده ای نیز برای بهره برداری سیاسی از این موج بر آن سوار شدند تا به مقاصد سیاسی خود برسند. در حالی که ان جی اوهای وابسته به امریکا و انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی به شدت در حال نفرت پراکنی علیه ایران بودند، ما هیچ فعالیت فرهنگی در خور توجهی را از سوی جوامع فرهنگی ایرانی شاهد نبودیم تا این دشمنی ها را خنثی کند.

نتیجه این رفتارها و عدم تلاش های ما اکنون به اینجا رسیده است که می بینیم در فلبی می که در شبکه های اجتماعی منتشر شد، شهروند بسیار ساده عراقی از ایران می خواهد که آب دجله و فرات را باز کند تا کشاورزی در عراق نابود نشود. هنگامی که مجری به او می گوید آیا می دانی سرچشمه دجله و فرات کجاست؟ پاسخ می دهد: معلوم است ایران. مجری می گوید: ایران نیست ترکیه است. او همچنان

اصرار می کند: نه ایران است! این نشان می دهد که در زمینه فرهنگی ضعیف عمل کرده ایم تا آنجا که بدیهیات جغرافیایی نیز نزد افکار عمومی تحریف می شوند.

© کلیه حقوق قانونی این مطلب متعلق به سایت دیپلماسی ایرانی و استفاده از مطالب با ذکر منابع بلا مانع است.